

فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۹۸، صفحات ۲۹-۱

بررسی تطبیقی نابرابری فضایی - اجتماعی محله‌های شهری (مطالعه موردی: محله‌های دارسیران و بهاران شهر مریوان)

غلامرضا لطیفی*، اسماعیل پیری**، یادگار محمدی***، شهرام پارسا****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۷

چکیده

شهرها به دلیل ماهیت پیچیده و افزایش روزافزون رشد جمعیت شهرنشینی و همچنین عواملی نظیر؛ توزیع نامناسب ارائه خدمات در ابعاد مختلف شهری، قیمت زمین، عادلانه نبودن درآمدها بین اقشار مختلف مردم، عدم دسترسی متعادل به امکانات و خدمات و همچنین فضاهای مختلف شهری بین ساکنان نواحی مختلف سبب شده که شهرها یکی از جلوه‌های نمایان بروز نابرابری محسوب شوند. هدف از این پژوهش بررسی و مقایسه نابرابری فضایی-اجتماعی در بین محله‌های دارسیران و بهاران شهر مریوان بر اساس شاخص‌های پایگاه اقتصادی-اجتماعی و دسترسی به کاربری خدمات شهری است. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد که با استفاده از ابزار پرسشنامه جهت سنجش سوالات متغیر مستقل و وابسته به جمع‌آوری اطلاعات به صورت اسنادی - میدانی پرداخته شده است، همچنین برای تحلیل داده‌های پرسشنامه از نرم‌افزار *Sps* استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، با توجه به آزمون *mann - whitney u test* و سطح اطمینان ۹۵٪، تفاوت معناداری بین پایگاه اقتصادی اجتماعی ساکنین محله‌های بهاران و دارسیران در دسترسی به کاربری خدمات شهری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: پایگاه اقتصادی-اجتماعی، نابرابری فضایی-اجتماعی، کاربری خدمات شهری، شهر مریوان

rlatifi2002@gmail.com

* دانشیار شهرسازی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

** دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

asmailpirii@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

yadegarmohammadi@yahoo.com

**** دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران. تهران، ایران. sh_pashabadi@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

نابرابری به معنای عدم دسترسی مساوی به منابع و فرصت‌های یکسان، یا برخورداری بیشتر برخی افراد از امتیازات موجود است. عده‌ای از افراد جامعه به منابع و خدمات دسترسی بیشتری داشته و عده‌ای دیگر از آن محروم مانده‌اند که این عامل سبب قطبی شدن جامعه شده و جامعه را به دو قطب مجزا تبدیل کرده است. افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتری هستند در یک قطب ساکن شده و این افراد نسبت به دیگر ساکنان به سطح بالاتری از توسعه دست یافته‌اند، و در قطب دیگر افرادی ساکن هستند که از منزلت پایین‌تری برخوردارند و آنان فاقد ارتباط با جریان غالب جامعه هستند و از سطح پایین‌تری از توسعه به سر می‌برند. در نتیجه این نابرابری سبب جدای‌گزینی و عدم اختلاط ساکنان شهر با شرایط اجتماعی - اقتصادی متفاوت شده است که عده‌ای محروم از منابع و امتیازات، و عده‌ای دیگر از آن برخوردارند.

نابرابری یکی از مانوس‌ترین حقایق زندگی اجتماعی است و حتی برای سطحی‌نگرترین ناظران، امری بدیهی است (گرب، ۱۳۷۳). نابرابری به موضوع‌هایی همچون شکاف بین پولدارها و فقرا یا تفاوت میان فراستان و فرودستان توجه دارد، توافق نظر وجود دارد (Grab, 1986: 33). مطالعه نابرابری اجتماعی در واقع یک موضوع مورد علاقه جامعه‌شناسان از اولین روزهایی است که این رشته به وجود آمده، و هرکدام از بنیان‌گذاران این رشته به‌نوعی در مورد سرچشمه، شکل و پیامدهای نابرابری اجتماعی در جامعه بحث‌هایی را مطرح کرده‌اند (Allen & chung, 2000: 17).

نابرابری اجتماعی وضعیتی است که در چارچوب آن، انسان‌ها دسترسی نابرابری به منابع باارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دارند. چنین نابرابری، هنگامی روی می‌دهد که افراد و گروه‌ها، یکدیگر را درجه‌بندی و سپس ارزیابی می‌کنند، اما از همه مهم‌تر این است که نابرابری اجتماعی، در رابطه با موقعیت‌های متفاوت در ساختار

۳ بررسی تطبیقی نابرابری فضایی-اجتماعی محله‌های...

اجتماعی به وجود می‌آید (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۴). یکی از مواردی که امروزه این تفاوت در آن مشهود است شهرها هستند. بیشترین جنبه‌های آسیب‌شناختی نابرابری در ابعاد شهری آن بیشتر نمایان می‌گردد (باک، ۱۹۹۱).

شهرها به دلیل ماهیت پیچیده و افزایش روزافزون رشد جمعیت شهرنشینی، که عواملی نظیر؛ توزیع نامناسب ارائه خدمات در ابعاد مختلف شهری، قیمت زمین، عادلانه نبودن درآمدها بین اقشار مختلف مردم، عدم دسترسی متعادل به امکانات و خدمات و همچنین فضاهای مختلف شهری بین ساکنان نواحی مختلف سبب شده که شهرها یکی از جلوه‌های نمایان بروز نابرابری محسوب شوند و به تبع آن محله‌های شهری هم به‌عنوان بافت اصلی و تشکیل‌دهنده استخوان‌بندی شهرها، از این قاعده مستثنی نبوده و بین محله‌های مختلف شهری نابرابری‌های فضایی - اجتماعی بارزی نمایان است.

بعضی از محله‌ها دارای امکانات و خدمات بهتری هستند؛ سطح رفاه و کیفیت زندگی در آنها بالاتر است و همچنین ساکنین تمایل بیشتری به زندگی در این محله‌ها دارند و در مقابل محله‌هایی هم هستند که از کمبود امکانات و خدمات رنج می‌برند که این عامل سبب شده است ساکنان نسبت به مکان زندگی خود احساس تعلقی نداشته و در قبال آن احساس مسئولیت نکنند. بر این اساس شهر مریوان از جمله شهرهایی است که توزیع خدمات و امکانات در بخش‌های مختلف آن به‌خوبی صورت نگرفته است و ساکنان در مناطق مختلف از این امکانات به‌طور یکسان و برابر دسترسی نداشته و بین محله‌های مختلف آن نابرابری فضایی - اجتماعی مشهود می‌باشد. با توجه به این رویکرد، هدف از این پژوهش بررسی و مقایسه نابرابری فضایی-اجتماعی در محله‌های دارسیران و بهاران در شهر مریوان می‌باشد.

مبانی نظری

با مطالعه و بررسی منابع مختلف در زمینه نابرابری فضایی - اجتماعی می‌توان این موضوع را در سه دیدگاه کارکردگرایی، تضاد و رویکرد تلفیقی مورد بررسی قرار داد:

الف) دیدگاه کارکردگرایی در نابرابری فضایی - اجتماعی

دیدگاه‌های جامعه‌شناسانی چون دورکیم، پارسونز، سامنر، پارتو، دیویس و مور با رویکرد کارکردگرایی به نابرابری پرداخته‌اند. نظریه‌پردازان کارکردگرایی از وجه جهانی و همیشگی بودن نابرابری نتیجه می‌گیرند که نابرابری وجه اساسی هر سازمان اجتماعی است و ضرورتی است کارکردی که در جهت کارکرد مؤثر جامعه ایفای نقش می‌کند. دورکیم معتقد بود که می‌توان به هدف همبستگی اجتماعی بر اساس اخلاقیات و عدالت دست‌یافت مشروط بر اینکه تقسیم‌کار سرمایه‌داری اصلاح شود و از آن آنومی و تضاد طبقاتی و نابرابری اجباری رها گردد (دورکیم، ۱۳۶۹). دورکیم به دو گونه نابرابری در جامعه اشاره می‌کند. نابرابری ظاهری یا صوری و نابرابری باطنی یا ذاتی. نابرابری ظاهری، آن‌گونه از نابرابری‌های اجتماعی است که از سوی جامعه و بر پایه شاخص‌های اجتماعی هم چون نژاد، جنس، رنگ پوست ... ایجاد می‌شود. تفاوت بین زن و مرد و یک شخص قدبلند و قدکوتاه از این‌گونه نابرابری‌هاست. او می‌گوید این‌گونه نابرابری‌ها بر اساس ویژگی‌های باطنی یا ذاتی اشخاص از جمله استعداد، پشتکار و کارایی آنان به وجود می‌آید. انسان‌ها در جامعه‌های پیشرفته صنعتی بر مبنای آنچه یاد می‌گیرند و استعدادی که در این باره صرف می‌کنند با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند.

بنابراین تفاوت میان شهروندان تفاوتی هست که بر پایه دانش و استعداد آنان شکل می‌گیرد و ظهور می‌یابد تا زمانی که استعدادهای بشر به شیوه‌های متفاوتی پرورش پیدا می‌کنند وجود نابرابری اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است (کمالی، ۱۳۷۹). به عقیده رابرت پارک، فرایندهای طبیعی و درونی شهر به‌گونه‌ای به رقابت بر سر منابع کمیاب بر می‌گردد که در نهایت به انطباق اکولوژیک می‌انجامد. رقابت در اجتماع برای

ایجاد تعادل اجتماعی است. رقابت بین افراد و گروه‌های شغلی و طبقاتی به همکاری رقابت‌آمیز از طریق تمایز یافتگی کارکردی و توزیع فضایی موزون کارکردها در نواحی مربوط منجر می‌شود.

به تعبیر پارک، تمایز یافتگی کارکردی، به‌طور فضایی نیز تبلور پیدا می‌کند زیرا رقابت نه تنها باعث تقسیم‌کار می‌شود بلکه گروه‌های مختلف اقتصادی را به نواحی گوناگون شهر می‌پراکند. به عقیده وی فشار بر فضا در مرکز شهر باعث افزایش ارزش زمین می‌شود و تفاوت در ارزش زمین مکانیزی است که توسط آن گروه‌های مختلف کارکردی در فضا به شیوه‌ای منظم و بدون برنامه‌ریزی پخش می‌شوند (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۰۲). دیویس و مور با ابراز این عقیده که نابرابری یک خصیصه کلی جامعه می‌باشد معتقدند که نابرابری یک ضرورت سازمانی است. به عقیده دیویس، نابرابری اجتماعی طرح ناآگاهانه‌ای است که به جوامع تضمین می‌دهد، که بهترین مشاغل توسط شایسته‌ترین افراد، لیکن به‌طور آگاهانه اشغال شود (ربانی، ۱۳۸۵). دیویس و مور دو ملاک عمده را برای اهمیت کارکردی یک موقعیت ارائه می‌کنند: الف) میزان کمیابی موقعیت در مقایسه با سایر موقعیت‌ها، ب) میزان وابستگی سایر موقعیت‌ها به موقعیت مورد نظر. از دیدگاه آنان نابرابری اجتماعی طرحی ناآگاهانه است که از طریق آن جوامع مطمئن می‌شوند که مهم‌ترین موقعیت‌ها به‌طور خودآگاه توسط شایسته‌ترین اشغال خواهد شد (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۷۲).

پارسونز قشربندی را به‌عنوان رده‌بندی واحدها برحسب معیارهای نظام ارزش‌های مشترک در یک نظام اجتماعی می‌داند. بنابراین هر نظام قشربندی، تعبیری از ارزش‌های اصلی جامعه است که به نوبه خود سلسله مراتبی از موقعیت‌ها، پاداش‌ها، افراد و هر چیز دیگر را بر اساس پایه‌های ارزشیابی خاص خود ایجاد می‌کند. قشربندی نتیجه فوری اجتناب‌ناپذیر کنش اجتماعی است. نیروهای اجتماعی آفریننده و حامی مناسبات اجتماعی متشکل هستند و به طرز اجتناب‌ناپذیر، موجد قشربندی هستند (ادیبی، ۱۳۵۴).

پارتو در مطالعات مربوط به نظام قشربندی اجتماعی، جامعه را به دو بخش تقسیم می‌کند: توده‌ها و نخبگان. توده‌ها در مدارج پایینی از هوش و لیاقت قرار دارند ولی توانایی آنها در استفاده از خشونت و زور زیاد است. برعکس نخبگان به دلیل لیاقت و هوش ذاتی خود بر دیگران برتری می‌یابند (انصاری، ۱۳۷۸). سامنر، بها و ارزش اجتماعی انسان را ملاک تعیین طبقات اجتماعی می‌داند و معتقد است که هر کس به اندازه استعداد طبیعی خود در این رتبه‌بندی، مرتبه‌ای را احراز می‌کند. سامنر با الهام از مالتوس معتقد است هر کوشش برای کاهش نابرابری از جمله از طریق ایجاد سیستم تأمین اجتماعی زیان‌بار است، زیرا به غیر شایسته‌ها اجازه می‌دهد که با استفاده از امکانات به‌دست‌آمده، مانند خرگوش زادوولد کنند (ملک، ۱۳۷۴).

ب) دیدگاه قدرت در نابرابری‌های فضایی - اجتماعی

جامعه‌شناسانی همچون مارکس، دارندورف، اندیشمندان مکتب فرانکفورت رویکردی تضادگرایانه به نابرابری دارند. به نظر مارکس بر مبنای موقعیت‌ها و وظایف گوناگونی که افراد در ساختار تولید جامعه دارند، طبقه اجتماعی شکل می‌گیرد. دو عامل اصلی در تشکیل طبقه اجتماعی دخیل است: شیوه تولید (کشاورزی، پیشه‌وری، صنعتی) و مناسبات تولید. در نگاه مارکس، داشتن موقعیت‌های متفاوت در ارتباط با وسایل تولید، میان افراد جامعه تضاد ایجاد می‌کند (تأمین، ۱۳۷۷:۷). دو نکته به‌طور اخص در دیدگاه مارکس موجود است که مبرهن شدن رابطه فضا و نابرابری اجتماعی را یاری می‌دهد: اول نگاه وی به شهر از بعد تولید، انباشت و تمرکز سرمایه، دوم توجه به شهر به‌مثابه زمینه‌ای برای تمرکز اکولوژیک طبقه کارگر و در نتیجه، ظهور خودآگاهی طبقاتی به‌مثابه عامل مهم در شکل‌گیری طبقات است (افروغ، ۱۳۷۷:۲۰۵). شالوده‌اسلوب مارکسی شناخت نابرابری که از دریچه تضاد و کشمکش طبقاتی به آن نگریسته می‌شود، درک مبانی و شکل‌های مالکیت است.

از دیدگاه مارکس مالکیت خصوصی عامل اساسی پیدایش شکاف طبقاتی بین مردم است و این شکاف همیشه در طول تاریخ بین طبقه «مالک و دارا و آنها که دارا و مالک نیستند» وجود داشته است (گرب، ۱۳۷۳). نگرش طبقاتی مارکس درباره تمایزات و نابرابری‌ها فقط به پایه‌های مادی مبتنی بر مالکیت خصوصی محدود نمی‌شود. مارکس اندیشه، هنر و ارزش‌های اخلاقی را نیز بر مبنای همین تمایز و از طریق تقسیم مردم به دو گروه حاکم و محکوم درک می‌کند. از دیدگاه مارکس نابرابری در جامعه بشری فرآیندی است که از طریق تقسیم‌کار محقق شده است. اهمیت نظریه کنش طبقاتی مارکس نه فقط به خاطر محتوای بدیع جامعه‌شناختی آن، بلکه همچنین به خاطر نفوذ گسترده آن بر روی آراء جامعه‌شناختی بعدی در این حوزه است (زاهدی، ۱۳۸۵).

دارندورف تأکید می‌کند مادام که هنجارها وجود نداشته باشند و تا جایی که عمیقاً در مردم تأثیر نکرده باشند قشربندی اجتماعی هم وجود نخواهد داشت. اما زمانی که هنجارها بر رفتار مردم تأثیر می‌کنند و زمانی که رفتار بالفعل مردم بر اساس این هنجارها مورد سنجش قرار می‌گیرد ناگزیر نوعی نظام سلسله مراتبی از پایگاه‌های اجتماعی هم پدید خواهد آمد. به نظر دارندورف هسته اصلی نابرابری اجتماعی همیشه می‌تواند از این واقعیت استنتاج شود که انسان‌ها تابعی از طرز برخوردشان با انتظارات جامعه و تابعی از مجازات‌ها و پاداش‌هایی هستند که تضمین‌کننده خصلت الزام‌آور این انتظارات است (نامه فرهنگ، ۱۳۷۱). دارندورف قوانین را نیز چکیده هنجارها و نشانه وجود نابرابری در جامعه می‌داند و می‌گوید: «قانون شرط لازم و کافی نابرابری اجتماعی است و به عبارت دیگر نابرابری وجود دارد، زیرا قانون وجود دارد و چون قانون هست، لاجرم نابرابری هم در میان افراد بشر وجود خواهد داشت». به نظر او طلب کردن جامعه‌ای که از هر جهت در آن تساوی برقرار باشد نه تنها غیرواقع بینانه که آرمانی منحرف و هولناک است (ملک، ۱۳۷۴).

ج) نابرابری اجتماعی از دیدگاه تلفیقی‌ها

اما جامعه‌شناسانی مانند ماکس وبر، گیدنز نگاهی تلفیقی به نابرابری دارند. نابرابری را به زبان وبری باید نوعی از محتوای رابطه اجتماعی تعریف کرد که تماماً عبارت از این احتمال است که افراد به طریقی قابل تعیین و معنادار بر مبنای درک تطبیقی منزلت‌های درون فهمی شده به صورتی تفاوت گذار و تبعیضی رفتار خواهند کرد (زاهدی، ۱۳۸۵). ماکس وبر بر این باور بود که ارائه یک تفسیر تک‌بعدی از پدیده اجتماعی پیچیده‌ای چون نابرابری‌های اجتماعی از اهمیت این پدیده می‌کاهد (کمالی، ۱۳۷۹: ۱۰۸). وبر اهمیت شاخص‌های اقتصادی را در رشد نابرابری‌های اجتماعی نادیده نمی‌گیرد. برای او نیز چون مارکس، مالکیت نقش تعیین‌کننده‌ای در توزیع امکانات عرضه‌شده به فرد یا به طبقه ایفا می‌کند.

با این وصف، او به این بعد اقتصادی دو بعد دیگر اضافه کرد: قدرت و حیثیت. در نگاه او مالکیت، قدرت و حیثیت باوجود وابستگی متقابلشان سه بنیان متمایزند که بر روی آن‌ها نظام قشربندی در هر جامعه‌ای سامان می‌یابد. تفاوت در برخورداری از مالکیت اموال منشأ طبقه‌بندی اجتماعی است، تقسیم نابرابر قدرت به تشکیل احزاب سیاسی می‌انجامد و درجات حیثیت گوناگون منشأ پیدایش قشرهای اجتماعی است که از دارندگان پایگاه‌های اجتماعی مشابه تشکیل شده‌اند (تأمین، ۱۳۷۹: ۹). بنابراین از نظر وبر رابطه فضا و نابرابری را نباید تنها از بعد طبقاتی آن نگریست بلکه گروه‌بندی‌های منزلتی نیز آثار و دلالت‌هایی برای تحلیل فضا و نابرابری در محیط شهری دارند (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۱۴).

گیدنز مانند وبر و مارکس به رابطه نزدیک بین قدرت و نابرابری معتقد است. گیدنز عقیده دارد که جنسیت یکی از مهم‌ترین زمینه‌های نابرابری است و نابرابری جنسی از نظر تاریخی بسیار ریشه‌دارتر از نظام‌های طبقاتی است (گیدنز، ۱۳۸۴). وی در بحث برابری خواهی، تأکید عده‌ای بر برابری فرصت یا شایسته‌سالاری را مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است که این نوع برابری خود موجب نابرابری‌های عمیق

۹ بررسی تطبیقی نابرابری فضایی-اجتماعی محله‌های... ۹

در جامعه خواهد شد و به‌نوعی انسجام اجتماعی را نیز تهدید خواهد کرد (هادی زنوز، ۱۳۸۵).

جدول ۱- جمع‌بندی دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف در مورد نابرابری فضایی-اجتماعی

هدف تحقیق	دیدگاه‌ها	نظریه‌پردازان	دیدگاه	شاخص
نابرابری فضایی - اجتماعی دیدگاه کارکردگرایی		دیویس و مور	نابرابری اجتماعی طرحی ناآگاهانه است که از طریق آن جوامع مطمئن می‌شوند که مهم‌ترین موقعیت‌ها به‌طور خودآگاه توسط شایسته‌ترین اشغال خواهد شد.	میزان کمیابی موقعیت در مقایسه با سایر موقعیت‌ها، میزان وابستگی سایر موقعیت‌ها به موقعیت مورد نظر
		دورکیم	دورکیم به دو گونه نابرابری در جامعه اشاره می‌کند نابرابری ظاهری یا صوری و نابرابری باطنی یا ذاتی.	تقسیم‌کار، استعداد افراد
		رابرت پارک	رقابت در اجتماع برای ایجاد تعادل اجتماعی است و تمایز یافتگی کارکردی، به‌طور فضایی نیز تبلور پیدا می‌کند	منابع کمیاب، تعادل اجتماعی
		پارسونز	هر نظام قشربندی، تعبیری از ارزش‌های اصلی جامعه است.	قشربندی
		پارتو	توده‌ها در مدارج پایینی از هوش و لیاقت قرار دارند ولی توانایی آنها در استفاده از خشونت و زور زیاد است. برعکس نخبگان به دلیل لیاقت و هوش ذاتی خود بر دیگران برتری می‌یابند	توده‌ها و نخبگان

بها و ارزش اجتماعی، استعداد طبیعی	بها و ارزش اجتماعی انسان را ملاک تعیین طبقات اجتماعی می‌داند	سامنر	
مالکیت، مناسبات تولید	مالکیت خصوصی عامل اساسی پیدایش شکاف طبقاتی (نابرابری اجتماعی) با الغای مالکیت بورژوازی در جامعه سوسیالیستی دیگر نشانی از نابرابری و تمایزات طبقاتی باقی نخواهد ماند.	مارکس	دیدگاه تضاد
پایگاه اجتماعی، مالکیت	موضوع اصلی در نابرابری اجتماعی مبتنی بر تحلیل روابط مبتنی بر اقتدار است، اقتدار مبتنی بر دارایی و مالکیت یکی از انواع آن است	دارندورف	
قدرت، ثروت، حیثیت	از نظر ماکس وبر نابرابری اجتماعی در رابطه اجتماعی انعکاس می‌یابد.	ماکس وبر	دیدگاه تلفیقی
جنسیت	گیدنز مانند وبر و مارکس به رابطه نزدیک بین قدرت و نابرابری معتقد است	گیدنز	

منبع: نگارندگان با تلخیص از منابع مختلف

در مبانی نظری پژوهش نظریات مختلفی از نابرابری فضایی-فضایی ارائه گردید. در انتخاب نظریه‌ها سعی بر آن بود که نظریه‌هایی که با رویکرد پژوهش هم‌خوانی دارد و در تبیین موضوع به کار گرفته خواهد شد مطرح شود. این نظریات را به‌طور کلی می‌توان در سه دیدگاه تضاد، کارکردگرایی و رویکرد تلفیقی طبقه‌بندی کرد. از صاحب‌نظران دیدگاه تضاد می‌توان به مارکس، دارندورف و اندیشمندان مکتب فرانکفورت و از اندیشمندان دیدگاه کارکردگرایی می‌توان به دورکیم، پارسونز، سامنر، پارتو، دیویس و مور و همچنین از صاحب‌نظران رویکرد تلفیقی می‌توان به ماکس وبر و گیدنز اشاره کرد.

بحث نابرابری اجتماعی در آرای متقدمان جامعه‌شناسی عمدتاً ذیل نظریه طبقه اجتماعی مطرح شده که از پرنفوذترین آنها آرای مارکس و ماکس وبر است. نزد مارکس دو عامل اصلی در تشکیل طبقه اجتماعی دخالت دارند: شیوه تولید و مناسبات تولید. همین عامل دوم است که لایه‌های عمده مشاغل را در ساختار اقتصادی جامعه ایجاد می‌کند (تأمین، ۱۳۷۳: ۷). ماکس وبر به بعد اقتصادی طبقه، دو بعد دیگر اضافه کرد: قدرت و حیثیت (منزلت). در نگاه او مالکیت و قدرت و حیثیت باوجود وابستگی متقابلشان سه بنیان متمایزند که نظام قشربندی در هر جامعه‌ای بر روی آنها سامان می‌یابد. تفاوت در برخورداری از مالکیت اموال منشأ طبقه‌بندی اجتماعی است. تقسیم نابرابر قدرت به تشکیل احزاب سیاسی می‌انجامد و درجات گوناگون حیثیت، منشأ پیدایش قشرهای اجتماعی است که از دارندگان پایگاه‌های اجتماعی مشابه تشکیل شده‌اند (تأمین، ۱۳۷۳: ۹؛ Nordam & Albom, 2007: 656).

همچنین وبر معتقد است گرچه طبقات اقتصادی به معنای دقیق کلمه «اجتماعات» نیستند در عوض گروه‌های دارای پایگاه اجتماعی مشابه را می‌توان «اجتماعات» به حساب آورد (Weber, 1946: 189-191) در دیدگاه ترکیبی آنتونی گیدنز نیز بنیان‌های چندگانه طبقه و قشربندی اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است (گرب، ۱۳۷۳: ۱۸۵). برای اندازه‌گیری میزان نابرابری، در اختیار داشتن سنجه‌هایی کاملاً دقیق در مورد پادشاه‌های داده شده به افراد یا گروه‌های یک جامعه ضرورت دارد. به این سبب، بیشتر آنچه ما درباره علل و پیامدهای میزان‌های متفاوت نابرابری می‌دانیم، بر مبنای مطالعات مربوط به توزیع درآمد و ثروت است. (آرتورل و سینچام، ۱۳۸۱). شاخص‌های آماری گسترده و متنوعی در اندازه‌گیری نابرابری استفاده شده است. (Cowell, 1995 & Firebaugh, 2003) با توجه به مطالعات ارائه شده از رویکردهای نظریه‌پردازان و شناسایی محدوده مورد بررسی می‌توان شاخص‌های تحقیق را در دو گروه اجتماعی - اقتصادی و کالبدی- فضایی به طریقی که در جدول زیر ارائه شده است دسته‌بندی کرد:

جدول ۲- شاخص‌های نابرابری فضایی - اجتماعی

هدف پژوهش	مؤلفه‌ها	شاخص	زیرشاخص
نابرابری فضایی - اجتماعی	اجتماعی - اقتصادی	اجتماعی	بار تکفل، درصد شاغلین زن، درصد پوشش بیمه درمانی، درصد برخورداری از اینترنت، پایگاه شغلی، سطح سواد.
		اقتصادی	درآمد. قیمت زمین، درصد مالکیت منزل مسکونی، درصد بهره‌گیری از نهادهای حمایتی، برخورداری از موبایل، کامپیوتر.
	کالبدی - فضایی	فضایی	سرانه مسکونی، سرانه اتاق به نفر، درصد مسکن بیش از یک طبقه، درصد مسکن دارای نمای مناسب، درصد مسکن نوساز، درصد مسکن بادوام، سرانه تجاری، آموزشی، فرهنگی، جهانگردی، بهداشتی، ورزشی، فضای سبز، مذهبی، صنعتی، انبار و حمل‌ونقل

منبع: نگارندگان به تلخیص از منابع مختلف

پیشینه تحقیق

لاورن جوزف در مقاله‌ای با عنوان «فضای شهری و نابرابری اجتماعی» به نظریات سوچا مبنی بر برگزیدن رویکردی تلفیقی از علوم جامعه‌شناسی و جغرافیایی، بر دسته‌بندی فضاهای شهری توسط گروه‌های اجتماعی، تأکید دارد و می‌افزاید که فضاها به‌طور سمبلیکی در ارتباط با گروه‌هایی قرار دارند که در آن حضور دارند و تا آنجا پیش می‌روند که فضاهای شهری را در اختیار خود درآورند. این فضاهای تقویت‌شده ساختار موجود و جدایی‌گزینی را تقویت می‌نماید.

۱۳ بررسی تطبیقی نابرابری فضایی-اجتماعی محله‌های...

ویلیامسون^۱ (۱۹۶۵)، ایمس^۲ (۱۹۸۸)، جانیکاس^۳ و ری^۴ (۲۰۰۵) در زمینه نابرابری بر روی ایالات متحده آمریکا به تحقیق پرداختند. در اتحادیه اروپا مطالعات انجام گرفته در زمینه نابرابری اکثراً در سطح ملی انجام گرفته است تا در سطح منطقه‌ای. (Davies & Hallet, 2002, Barrios & Strobl, 2005, Mora & Petrakos, 2008 Rodriguez-Pose & Rovolis, 2005).
تراسی^۵ (۱۹۹۹) برای کشور ایتالیا، پتراکوس^۶ و ساراتسیس^۷ (۲۰۰۰) برای کشور یونان، آزونی^۸ (۲۰۰۱) برای کشور برزیل، پتراکوس؛ رودریگز^۹ و روویلس^{۱۰} (۲۰۰۵) برای کشورهای اتحادیه اروپا که دارای نابرابری درآمدی بین مناطق خود هستند به تحقیق پرداختند. همچنين فاگربرگ^{۱۱} و ورسپاگین^{۱۲} (۱۹۹۶) در اروپا، فاگربرگ؛ ورسپاگین و کنیلز^{۱۳} (۱۹۹۶) برای مناطق اروپایی، فانک^{۱۴} (۱۹۹۵)، چاترجی^{۱۵} و دهورست^{۱۶} (۱۹۹۶) در بریتانیای کبیر، لیگالو^{۱۷} (۲۰۰۴) در مناطق اروپایی، ارتر^{۱۸}، لیگالو و باومونت^{۱۹} (۲۰۰۶) برای مناطق اروپایی، ایزکورا^{۲۰}؛ پاسکال و راپون^{۲۱} (۲۰۰۷) برای اتحادیه اروپا اقدام به تحقیق در زمینه نابرابری کرده‌اند.

1. Williamson
3. Janikas
5. Terrasi
7. Saratsis
9. Rodrigueze
11. Fagerberg
13. Canie`ls
15. Chatterji
17. Le Gallo
19. Baumont
21. Rapun

2. Amos
4. Rey
6. Petrakos
8. Azzoni
10. Rovolis
12. Verspagen
14. Funke
16. Dewhurst
18. Ertur
20. Ezcurra

از محققان داخلی می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: افروغ در پایان‌نامه دکتری خود (۱۳۷۷) با عنوان «فضا و نابرابری اجتماعی: ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن» در تلاش است تا عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر و آثار آن بر شکل‌گیری خرده‌فرهنگ جرم‌زا و خرده‌فرهنگ کج را و رفتار کج را از طریق بررسی نظریات مورد تحلیل قرار دهد، و بیشتر به جدایی‌گزینی به لحاظ تفاوت در پایگاه اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد و آرای مرتبط با آن را مطرح می‌سازد. حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای (مطالعه موردی: محله‌های قدیمی شهر میاندوآب)» پرداختند که هدف این مقاله، تبیین سطوح کیفیت زندگی در بافت قدیم شهر میاندوآب با ۱۷ شاخص کیفیت زندگی و ارتباط آن با سرانه‌ی کاربری‌های شهری در سطح محله‌ها بوده که از سرانه ۱۵ کاربری استفاده شده است. و نتایج نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین توزیع سرانه‌ی کاربری‌های شهری و کیفیت زندگی وجود دارد. (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰).

دانشپور (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نابرابری فضایی در محیط‌های پیرا-شهری» در شهر تهران پرداخته است، هدف این مقاله تأکید بر ضرورت توجه به محیط پیرا-شهری همچون یک سیستم یکپارچه که خود، همچون شهرها، دارای نابرابری فضایی بوده و نیازمند تحلیل، تفسیر و تبیین ساختار ویژه‌ی خود، علل پدیدار شدن ساختار نابرابر، بروز تهدیدها و مشکلات، حضور فرصت‌ها و مهم‌تر از همه، دوری جستن از رویکردی سنتی در برنامه‌ریزی و مدیریت محیطی می‌باشد، است. (دانشپور، ۱۳۸۵).

شریف زادگان و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «نابرابری فضایی در دسترسی به خدمات درمان عمومی برای توسعه سلامت شهری از طریق مدل p-median در شهر اصفهان» پرداختند.

خالو باقری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «رویارویی با نابرابری فضایی ضمن به‌کارگیری برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی (مورد مطالعه: منطقه ۱۳ شهر

تهران)». در این راستا، یکی از نواحی خرد شهر تهران که دارای مشکل نابرابری فضایی و افت کیفیت زندگی است، انتخاب گردیده و به پیش‌شرط‌های راه‌اندازی سازوکار برنامه‌ریزی و مدیریت در آن، اشاره شده است. بدیهی است تدوین برنامه‌ای مناسب به‌منظور تعدیل یا حذف نابرابری‌ها به همراه افزایش مشارکت مردمی در مدیریت شهری و بهره‌گیری از انگاشت چندبعدی و جامع کیفیت زندگی در چارچوب برنامه‌ریزی شهری - به‌دوراز شیوه‌های رایج و متداول - به‌عنوان عمده‌ترین هدف این نوشتار، می‌تواند در رسیدن به برابری و تحقق عدالت در شهرها مؤثر باشد. (خالو باقری، ۱۳۹۱).

حبیبی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل وضعیت عدالت اجتماعی در ساختار فضایی شهر سنندج» پرداختند. نتایج پژوهش حاصله، بیانگر آن است که از نظر توزیع شاخص‌ها، فقط شاخص‌های تراکم خانوار، ضریب فعالیت، درصد باسوادی در وضعیت متعادل و سرانه مسکونی در وضعیت نسبتاً متعادل قرار دارند. همچنین ساکنان با سطح اقتصادی-اجتماعی بالاتر، از کاربری‌های خدمات شهری بهتری برخوردارند و الگوی توزیع کاربری‌های خدماتی شهری به نفع گروه‌های مرفه‌تر جامعه عمل نموده است. (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۰).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد که با استفاده از ابزار پرسشنامه جهت سنجش سؤالات متغیر مستقل و وابسته به جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت اسنادی - میدانی پرداخته شده است، جامعه آماری پژوهش کلیه ساکنین محله‌های دارسیران و بهاران شهر مریوان که بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده از شهرداری مریوان به ترتیب با جمعیت ۲۶۳۹، ۷۰۲۹ نفر به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی در بین ساکنین محله‌های دارسیران و بهاران، با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه برای محله دارسیران ۳۳۶ و محله بهاران ۳۶۴ نفر برآورد گردید

در این پژوهش به‌منظور سنجش اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری بدین‌صورت که صحت و درستی شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی از نظرات محققین و کارشناسان استفاده شده است و همچنین به‌منظور سنجش پایایی پرسشنامه از روش محاسباتی آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفای محاسبه‌شده ۷۰ درصد برای گویه‌های پرسشنامه می‌باشد که ضریب قابل قبولی برای اعتماد به داده‌های پرسشنامه می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه باید اول بررسی گردد که داده‌ها از توزیع نرمالی برخوردار هستند که با استفاده از روش اسمیرنوف - کولموگروف به نرمال بودن داده‌ها به نتیجه می‌رسیم.

همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌گردد اگر مقدار به‌دست‌آمده از مقدار (Asymp.Sig) کوچک‌تر باشد آزمون معنی‌دار است و داده‌های دارای توزیع نرمالی نیستند در نتیجه آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای نمره‌های شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی معنادار است و بنابراین متغیرهای شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی دارای توزیع نرمالی نیستند و می‌توان از تحلیل‌های ناپارامتریک آزمون (mann - whitney u test) برای بررسی تفاوت داده‌های دو گروه از محله‌های دارسیران و بهاران استفاده کرد.

جدول ۳- آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیرهای شاخص پایگاه

اقتصادی اجتماعی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	Z کولموگروف اسمیرنوف	Asymp. Sig. (2-tailed)
تحصیلات	۲,۴۶	۱,۷۰۷	۶,۹۹۶	.۰۰۰
شغل	۱,۹۳	.۹۲۳	۵,۷۹۸	.۰۰۰
درآمد	۲,۶۷	۱,۱۶۲	۳,۸۴۹	.۰۰۰
تحصیلات پدر	۲,۳۲	۱,۴۲۸	۶,۰۰۴	.۰۰۰

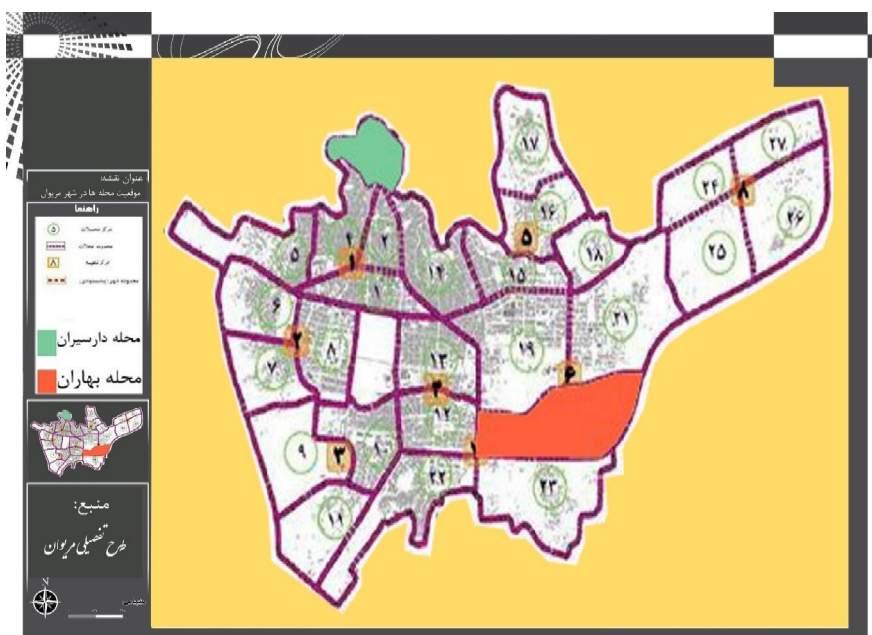
منبع: یافته‌های پژوهش

معرفی شهر مریوان

شهرستان مریوان با مساحتی بالغ بر ۲۲۵۹/۵ کیلومترمربع و جمعیتی معادل ۱۶۸۷۷۴ نفر در سال ۱۳۹۰ و با مختصات جغرافیایی ۴۵ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۵ درجه و ۱۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی از خط استوا در غرب استان کردستان واقع گردیده است. این شهرستان از طرف شمال به شهرستان سقز، از طرف شمال غرب و غرب به کشور عراق، از طرف شرق به شهرستان سنندج و از طرف جنوب به شهرستان سروآباد ختم می‌شود. شهر مریوان نیز با جمعیتی معادل ۹۲۹۹۳ نفر (در سال ۱۳۸۵) و ۱۱۰۴۶۴ نفر در سال ۱۳۹۰ سومین شهر پرجمعیت استان محسوب می‌شود. شهر مریوان در وضعیت موجود دارای مساحتی بالغ بر ۱۲۸۹/۱۴ هکتار می‌باشد که از این میزان حدود ۷۱۰/۲۸ هکتار جزء سطوح ساخته‌شده و ۵۷۸/۵۸ هکتار جزء سطوح ساخته نشده می‌باشد. تراکم ناخالص جمعیتی شهر با (۱۱۱۸۹۵ نفر جمعیت) برابر با ۸۶/۸ نفر در هکتار می‌باشد.

معرفی محله‌های مورد بررسی

محله دارسیران یکی از محله‌های قدیمی شهر مریوان است که در قسمت شمالی شهر واقع شده است، مساحت کل محله ۲۰۲۸۱۴ مترمربع می‌باشد و از این مقدار ۵۸۶۲۸ مترمربع ساخته نشده و ۵۸۰۴۷ مترمربع بصورت بایر می‌باشد. در مقابل محله بهاران یکی از محله‌های جدید و برنامه‌ریزی شده شهر مریوان می‌باشد که در قسمت شرقی شهر واقع شده است. مساحت کل محله ۶۶۵۵۰۷ مترمربع می‌باشد که از این مقدار ۳۷۳۹۲۵ مترمربع بصورت ساخته نشده و ۳۷۳۹۲۵ مترمربع بصورت بایر می‌باشد.



نقشه ۱- موقعیت محله‌های مورد بررسی در شهر مریوان

منبع: نگارندگان به تلخیص از طرح تفصیلی شهر مریوان

یافته‌های تحقیق

در ابتدا به بررسی توصیفی متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنسیت، تأهل) در میان محله‌های دارسیران و بهاران با استفاده از جداول مندرج می‌پردازیم. با توجه به جدول ۷، میزان جنسیت در محله‌های مورد نظر بررسی گردیده است، در محله دارسیران تعداد پاسخ‌دهندگان مرد ۱۹۷ نفر و تعداد پاسخ‌دهندگان زن ۱۳۹ نفر، همچنین در مورد متغیر تأهل با توجه به آمارهای جدول ۸، تعداد پاسخگویان مجرد در محله دارسیران ۲۱۵ نفر و متأهلین ۱۲۱ نفر بودند، در مورد سن با توجه به جدول ۹، پاسخگویان، میانگین سنی در محله‌ها مورد توجه قرار گرفت، میانگین سنی در محله دارسیران ۲۲ سال و میانگین سنی در محله بهاران ۲۹ سال محاسبه گردید.

جدول ۴- جنسیت، تأهل و سن پاسخگویان در محله‌های داریسیران و بهاران

متغیر	محله	مرد	زن
جنسیت	داریسیران	۱۹۷	۱۳۹
	بهاران	۲۱۲	۱۵۲
تأهل	محله	مجرد	متأهل
	داریسیران	۲۱۵	۱۲۱
	بهاران	۱۶۴	۲۰۰
سن	محله	میانگین	انحراف استاندارد
	داریسیران	۲۲	۳,۵۴
	بهاران	۲۷	۷,۹۳

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی ساکنین محله‌های داریسیران و بهاران تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵- آزمون **mann - whitney u test** برای شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی محله‌های داریسیران و بهاران

متغیر	Z	Asymp. Sig. (2-tailed)
تحصیلات	-۱۵,۹۰۶	۰,۰۰۰
شغل	-۱۰,۰۸۰	۰,۰۰۰
تحصیلات پدر	-۱۳,۵۱۰	۰,۰۰۰
درآمد ماهیانه	-۸,۶۱۸	۰,۰۰۰

۲۰ فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۹۸

در آزمون mann – whitney u زمانی که تعداد نمونه‌ها بیش از ۲۰ مورد باشد لازم است که به نمره Z استناد شود، در پژوهش حاضر چون حجم نمونه‌ها در محله داریسیران ۳۳۶ و محله بهاران ۳۶۴ مورد می‌باشد برای بررسی معنادار بودن تفاوت‌های دو گروه از قدرمطلق نمره Z نتیجه‌گیری حاصل می‌گردد، در جدول بالا همان‌طور که مشاهده می‌کنید چون مقدار قدر مطلق نمره Z برای هر یک از متغیرهای شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی بزرگ‌تر از ۱,۹۶ می‌باشد، تفاوت معناداری بین شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی در محله‌های داریسیران و بهاران وجود دارد بدین‌صورت که ساکنین محله‌های بهاران در دارا بودن متغیرهای تحصیلات، شغل، تحصیلات پدر، درآمد ماهیانه دارای تفاوت بارزی نسبت به ساکنین محله داریسیران هستند.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین میزان دسترسی به خدمات شهری در محله‌های داریسیران و بهاران تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۶- سرانه و کاربری وضع موجود محله بهاران شهر مریوان

نوع کاربری	مساحت کاربری در محله بهاران (مترمربع)	سرانه (مترمربع)	نوع کاربری	مساحت کاربری در محله بهاران (مترمربع)	سرانه (مترمربع)
مسکونی	۱۱۸۵۴۸	۱۶/۸۶	شبکه ارتباطی	۱۵۱۶۳۲	۲۱/۵۷
مختلط	۶۹۶۸	۰/۹۹	نظامی	۰	۰
اداری - انتظامی	۱۱۳۲	۰/۱۶	تاریخی	۰	۰
تجاری	۱۲۸۰	۰/۱۸	تفریحی - گردشگری	۲۹۱۷	۰/۴۱
ورزشی	۰	۰	صنعتی - کارگاهی	۵۳	۰/۰۰۷

نوع کاربری	مساحت کاربری در محله بهاران (مترمربع)	نوع کاربری	سرانه (مترمربع)	مساحت کاربری در محله بهاران (مترمربع)	سرانه (مترمربع)
درمانی	۰	دامداری	۰	۰	۰
فرهنگی-هنری	۲۹۱۵۸۲	مجموع اراضی ساخته شده	۰	۰	۰
فضای سبز	۰	باغات	۰/۷۳	۵۱۵۲	۰/۷۳
مذهبی	۳۷۳۹۲۵	اراضی بایر	۰/۱۷	۱۲۲۰	۰/۱۷
تجهیزات شهری	۳۷۳۹۲۵	مجموع اراضی ساخته نشده	۰/۰۴	۳۴۳	۰/۰۴
تأسیسات شهری	۶۶۵۵۰۷	سطح کل	۰	۰	۰

منبع: طرح تفصیلی شهر مریوان

مقایسه تطبیقی کاربری‌های وضع موجود محله بهاران و شهر مریوان:

با مقایسه سرانه کاربری‌های شهر مریوان و محله بهاران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سرانه مسکونی شهر مریوان ۱۸/۲۳ مترمربع و سرانه مسکونی محله بهاران ۱۶/۸۶ مترمربع است که این گویای آن است که محله بهاران ۱/۳۷ مترمربع کمتر از کل شهر مریوان سرانه مسکونی دارد. مجموع سرانه کاربری تجاری شهر مریوان ۳/۴۵ مترمربع و سرانه کاربری تجاری محله بهاران ۰/۱۸ است که اختلافی در حدود ۳/۲۷ دارد، مجموع سرانه فضای سبز شهر مریوان ۱/۷۶ مترمربع و سرانه فضای سبز محله بهاران

۰/۷۳ مترمربع است. سرانه مذهبی شهر مریوان و محله بهاران ۰/۱۷ مترمربع است. مجموع کاربری تجهیزات شهر مریوان ۰/۴۶ و سرانه تجهیزات محله بهاران ۰/۰۴ است که دارای اختلافی برابر با ۰/۴۲ هستند. سرانه شبکه حمل‌ونقل شهر مریوان ۲۶/۸۹ مترمربع و سرانه شبکه حمل‌ونقل محله بهاران ۲۱/۵۷ مترمربع است که دارای اختلافی در حدود ۵/۳۲ مترمربع هستند. محله بهاران فاقد کاربری‌های ورزشی، درمانی ورزشی، درمانی، فرهنگی - هنری، تأسیسات شهری، نظامی، تاریخی است.

مقایسه تطبیقی کاربری‌های وضع موجود محله دارسیران و شهر مریوان:

از مقایسه سرانه کاربری‌های شهر مریوان و محله دارسیران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سرانه مسکونی شهر مریوان ۱۸/۲۳ مترمربع و سرانه مسکونی محله دارسیران ۲۸/۲۲ مترمربع است که این گویای آن است که محله دارسیران ۹/۹۹ مترمربع بیشتر از کل شهر مریوان سرانه مسکونی دارد. مجموع سرانه کاربری تجاری شهر مریوان ۳/۴۵ مترمربع و سرانه کاربری تجاری محله دارسیران ۰/۱۴ است که اختلافی در حدود ۳/۳۱ دارد، مجموع سرانه فضای سبز شهر مریوان ۱/۷۶ مترمربع و سرانه فضای سبز محله دارسیران ۴/۶۱ مترمربع است که محله دارسیران ۲/۸۵ مترمربع بیشتر از کل مریوان سرانه فضای سبز دارد. سرانه مذهبی شهر مریوان ۰/۱۷ و سرانه مذهبی محله دارسیران ۰/۱۱ مترمربع است که دارای اختلاف برابر با ۰/۰۶ مترمربع است. سرانه شبکه حمل‌ونقل شهر مریوان ۲۶/۸۹ مترمربع و سرانه شبکه حمل‌ونقل محله دارسیران ۱۹/۱۲ مترمربع است که دارای اختلافی در حدود ۷/۷۷ مترمربع هستند. محله دارسیران فاقد کاربری‌های اداری - انتظامی ورزشی، درمانی، تجهیزات شهری، نظامی، تفریحی - گردشگری است.

جدول ۷- سرانه و کاربری وضع موجود محله بهاران شهر مریوان

سرانه (مترمربع)	مساحت کاربری در محله دارسیران (مترمربع)	نوع کاربری	سرانه (مترمربع)	مساحت کاربری در محله دارسیران (مترمربع)	نوع کاربری
۱۹/۱۲	۵۰۳۴۶	شبکه ارتباطی	۲۸/۲۲	۷۴۲۸۸	مسکونی
۰	۰	نظامی	۰/۸۵	۲۲۵۰	مختلط
۰	۰	تاریخی	۰	۰	اداری- انتظامی
۰	۰	تفریحی- گردشگری	۰/۱۴	۳۷۶	تجاری
۰	۰	صنعتی- کارگاهی	۰	۰	ورزشی
۰/۵۷	۱۵۲۶	دامداری	۰	۰	درمانی
	۱۴۴۱۸۶	مجموع اراضی ساخته شده	۰	۰	فرهنگی- هنری
	۵۸۱	باغات	۴/۶۱	۱۲۱۴۳	فضای سبز
	۵۸۰۴۷	اراضی بایر	۰/۱۱	۳۰۱	مذهبی
	۵۸۶۲۸	مجموع اراضی ساخته نشده	۰	۰	تجهیزات شهری
	۲۰۲۸۱۴	سطح کل	۰/۰۱	۴۰	تأسیسات شهری

نتیجه گیری

امروزه نابرابری فضایی-اجتماعی از جمله مسائلی است که در اکثر کشورهای در حال توسعه وجود دارد، تا جایی که این نابرابری در محله‌های شهری هم محسوس است. نابرابری می‌تواند علل مختلفی همچون توزیع نامتناسب امکانات و خدمات

آموزشی، درمانی، فضای سبز، تجاری، فرهنگی و... داشته یا می‌توان به نابرابری در شغل، درآمد، تحصیلات به‌عنوان پایگاه اقتصادی اجتماعی ساکنین محله‌هایی اشاره کرد که در نتیجه آن افراد در جایگاه اقتصادی اجتماعی بالا به دورهم و در یک مکان، و افراد ساکن با جایگاه اقتصادی پایین‌تر در یک منطقه دیگر زندگی می‌کنند که خود را از لحاظ برخورداری در خدمات شهری و شأن و منزلت اجتماعی جدا از هم می‌دانند. نتیجه چنین فرآیندی سبب بروز عدم تعادل و توازن در مناطق مختلف شهر و عدم توسعه همه‌جانبه آن را باعث می‌شود با توجه به جدول سرانه‌های محله‌های مورد بررسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جدول ۸- مقایسه تطبیقی سرانه کاربری محله‌های بهاران و دارسیران شهر مریوان

پایگاه اقتصادی - اجتماعی			کاربری‌ها		
سطح معناداری	مقدار آماره Z	متغیر	سرانه محله دارسیران (مترمربع)	سرانه محله بهاران (مترمربع)	کاربری
۰,۰۰۰	-۱۵,۹۰۶	تحصیلات	۲۸/۲۲	۱۶/۸۶	مسکونی
			۰/۸۵	۰/۹۹	مختلط
			۰	۰/۱۶	اداری - انتظامی
			۰/۱۴	۰/۱۸	تجاری
۰,۰۰۰	-۱۰,۰۸۰	شغل	۰	۰	ورزشی
			۰	۰	درمانی
			۰	۰	فرهنگی - هنری
			۴/۶۱	۰/۷۳	فضای سبز
۰,۰۰۰	-۱۳,۵۱۰	تحصیلات پدر	۰/۱۱	۰/۱۷	مذهبی
			۰	۰/۰۴	تجهیزات شهری
			۰/۰۱	۰	تأسیسات شهری
			۱۹/۱۲	۲۱/۵۷	شبکه ارتباطی

			۰	۰	نظامی
			۰	۰	تاریخی
۰,۰۰۰	-۸,۶۱۸	درآمد ماهیانه	۰	۰/۴۱	تفریحی-گردشگری
			۰	۰/۰۰۷	صنعتی-کارگاهی
			۰/۵۷	۰	دامداری

منبع: نگارندگان

سرانه مسکونی محله بهاران ۱۶/۸۶ مترمربع و سرانه مسکونی محله دارسیران ۲۸/۲۲ مترمربع، سرانه کاربری مختلط محله بهاران ۰/۹۹ مترمربع و محله دارسیران ۰/۸۵ مترمربع است. سرانه کاربری اداری-انتظامی محله بهاران ۰/۱۶ مترمربع و محله دارسیران فاقد این کاربری است، سرانه کاربری فضای سبز محله بهاران ۰/۷۳ مترمربع و محله دارسیران ۴/۶۱ مترمربع است. سرانه مذهبی محله بهاران ۰/۱۷ مترمربع و محله دارسیران ۰/۱۱ مترمربع است. سرانه کاربری تجهیزات شهری محله بهاران ۰/۰۴ مترمربع و محله دارسیران فاقد این کاربری است، محله بهاران فاقد کاربری تأسیسات شهری و سرانه کاربری تأسیسات شهری محله دارسیران ۰/۰۱ است.

سرانه شبکه ارتباطی محله بهاران ۲۱/۵۷ مترمربع و محله دارسیران ۱۹/۱۲ مترمربع است، سرانه کاربری تفریحی - گردشگری محله بهاران ۰/۴۱ مترمربع و محله دارسیران فاقد این کاربری است و سرانه کاربری صنعتی - کارگاهی ۰/۰۰۷ مترمربع و محله دارسیران فاقد این کاربری است. همچنین نتایج تحلیل شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی نشان داد که چون مقدار قدر مطلق نمره Z برای هریک از متغیرهای شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی بزرگ‌تر از ۱,۹۶ می‌باشد، تفاوت معناداری بین شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی در محله‌های دارسیران و بهاران وجود دارد بدین‌صورت که ساکنین

محلله‌های بهاران در دارا بودن متغیرهای تحصیلات، شغل، تحصیلات پدر، درآمد ماهیانه دارای تفاوت بارزی نسبت به ساکنین محله دارسیران هستند.

در این پژوهش، با توجه به نتایج آزمون u - mann - whitney در مورد هریک از متغیرهای شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی (تحصیلات ۱۵,۹۰۶، شغل ۱۰,۸۰، تحصیلات پدر ۱۳,۵۱۰، درآمد ماهیانه ۸,۶۱۸) و اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق مشاهده و بررسی مطالعات میدانی در محله‌های دارسیران و بهاران ارتباط معنی‌دار بین وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنین محله‌ها با سطح برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد پایگاه اقتصادی اجتماعی ساکنین محله بهاران در سطح بالاتری در دسترسی به خدمات تجاری، آموزشی، فضای سبز، درمانی و... نسبت به محله دارسیران قرار دارد. بنابراین علاوه بر اختصاص کاربری‌های موردنیاز محله دارسیران و ارتقاء سرانه وضعیت موجود کاربری‌ها در این محله باید با جدیت دنبال شود تا در کاهش نابرابری‌های فضایی اجتماعی مؤثر باشد.

منابع

- انصاری، ابراهیم. (۱۳۷۹)، *نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران*، اصفهان: نشر غزل.
- ادیبی، حسین. (۱۳۵۴)، *جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷)، *فضا و نابرابری اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- تأمین، ملوین. (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی*، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر توتیا.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- حاتمی‌نژاد، حسین و همکاران. (۱۳۹۰)، شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای، مطالعه موردی: محله‌های قدیمی شهر میاندوآب، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۸۰.
- حبیبی، کیومرث و همکاران. (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل وضعیت عدالت اجتماعی در ساختار فضایی شهر سنندج، *آرمان‌شهر*، شماره ۷.
- خالو باقری، مهدیه. (۱۳۹۱)، رویارویی با نابرابری فضایی ضمن به‌کارگیری برنامه‌ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی (مورد مطالعه: منطقه ۱۳ شهر تهران)، *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، شماره اول.
- دانشپور، زهره. (۱۳۸۵)، تحلیل نابرابری فضایی در محیط‌های پیرا-شهری، کوششی در استفاده از رهیافت برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی در تهران، *هنرهای زیبا*، شماره ۲۸.
- دورکیم، امیل. (۱۳۶۹)، *تقسیم‌کار اجتماعی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: کتاب‌سرای بابل.
- ربانی، رسول. (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- زاهدی، محمدجواد. (۱۳۸۵)، *توسعه و نابرابری*، انتشارات مازیار، تهران: چاپ دوم.
- شریف‌زادگان، محمدحسین؛ ممدوحی، امیررضا و لاوی، مریم. (۱۳۸۹)، نابرابری فضایی در دسترسی به خدمات درمان عمومی برای توسعه سلامت شهری از طریق مدل در median-p در شهر اصفهان، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۷.

- کمالی، علی. (۱۳۷۹)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- گرب، ادوارد. (۱۳۷۳)، *نابرابری اجتماعی*، ترجمه: محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاد، تهران: نشر معاصر.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴)، *چشم‌اندازهای جهانی*، ترجمه: محمدرضا جلائی‌پور، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴)، *چشم‌اندازهای جهانی*، ترجمه: محمدرضا جلائی‌پور، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ دوم.
- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۷۴)، *نابرابری و قشربندی اجتماعی*، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- ملک، حسن. (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- داریدورف، راف. (۱۳۷۱)، *منشأ نابرابری اجتماعی*، ترجمه: حسین قاضیان، *نامه فرهنگ*، سال ۲، شماره ۳.
- هادی زنون، بهروز. (۱۳۸۵)، *فقر و نابرابری درآمدی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۷.

- Amos, O. (1988). "Unbalanced Regional Growth and Regional Income Inequality in the Latter Stages of Development" *Regional Science and Urban Economics*, 18:549-66.
- Azzoni, C. R. (2001). "Economic growth and regional income inequality in Brasil " The Annals of *Regional Science*, 35:133-52.
- Allen, Walter, R. & Chung, Angie. (2000). "Your blues ain't like my blues: Race, Ethnicity, Ethnicity, and Social Inequality in America", *Contemporary Sociology*, Vol. 29, No.6, pp. 796-805.
- Barrios, S., and E. Strobl. (2005). "*The Dynamics of Regional Inequalities.*" European Economy" Economic Papers 229. Brussels, Belgium: European Commission.
- Chatterji, M., and J. H. LL. Dewhurst. (1996). "Convergence clubs and relative economic performance in Great Britain 1977-1991" *Regional Studies*, 30:31-40.
- Cowell, F. (1995). "Measuring Inequality. *LSE Handbooks in Economics*, London, United Kingdom". Prentice Hall.

- Davies, S., and M. Hallet. (2002). "*Interactions between National and Regional Development*", HWWA Discussion Paper No. 207. Hamburg, Germany: Hamburg Institute of International Economics.
- Ertur, C., J. Le Gallo, and C. Baumont. (2006). "The European regional convergence process, 1980-1995: Do spatial regimes and spatial dependence matter", *International Regional Science Review*, 29:3-34.
- Ezcurra, R., P. Pascal, and M. Rapun. (2007). "Spatial inequality in productivity in the European Union" Sectoral and regional factors. *International Regional Science Review*, 30:384-407.
- Fagerberg, J., and B. Verspagen. (1996). "Heading for divergence? Regional growth in Europe considered", *Journal of Common Market Studies*, 34:431-48.
- Fagerberg, J., B. Verspagen, and M. Canie'ls. (1996). "Technology growth and unemployment across European regions " *Regional Studies*, 31:457-66.
- Firebaugh, G. (2003). "*The New Geography of Global Income Inequality*", Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Funke, M. (1995). "*Europe's monetary future one market one money*", Discussion Paper No. DP 1-95. Centre for Economic Forecasting, London Business School, London.
- Le Gallo, J. (2004). "Space-time analysis of GDP disparities among European regions: A Markov chains approach, *International Regional Science Review*, 27:138-65.
- Mora, T. (2008). "Explaining Within-country Regional Inequality in the European Union", *Scienze Regionali* 7:51-69.
- Petrakos, G., A. Rodriguez-Pose, and A. Rovolis. (2005). " Growth, Integration and Regional Disparities in the European Union", *Environment and Planning A*, 37:1837-55.
- Petrakos, G, and Y. Saratsis, (2000). "Regional inequalities in Greece", *Papers in Regional Science*, 79: 57-74.
- Rey, S. J. (2004). " Spatial analysis of regional income inequality. *In Spatially integrated social science: Examples in Best Practice*, ed. M. Goodchild and D. Janelle, 280-90 " Oxford: Oxford University Press.
- Rey, S., and M. Janikas. (2005). "Regional Convergence, Inequality, and Space", *Journal of Economic Geography*, 5:155-76.
- Terrasi, M. (1999). "Convergence and divergence across Italian regions", *The Annals of Regional Science*, 33:491-510.
- Williamson, J. (1965). "Regional Inequality and the Process of National Development: A Description of the Patterns", *Economic Development and Cultural Change*, 13:3-45.